

۳
افق

عبور از سنت مردانه

اولین نخست‌وزیر زن در زاین در آستانه قدرت است

۴
کافه

پدر به روایت پسر

درباره زندگی و زمانه احمد محمود

۷
کوچه

سونامی سرطان سینه

هر ۴۰ دقیقه یک زن ایرانی مبتلا به سرطان سینه می‌شود

حجاب با اجبار ممکن نیست

پاسخ‌های مسعود پزشکیان به فاکس نیوز
درباره حجاب اجباری۲
ایران

سرمقاله

صلح از راه قدرت

حماس چگونه مجبور به پذیرش صلح و توقف جنگ شد؟

علی هاشمی

قائم مقام دبیرکل
حزب کارگران سازندگی ایران

بعد از هفتم اکتبر و آغاز درگیری‌ها در غزه- حمله حماس و تصرف برخی نقاط همچنین گروگرفتن افراد- خسارت و تلفات سنگینی به بار آمد. در آن روزها چندین نفر از افراد کلیدی و نیروهای مهم کشته شدند و شدت حملات به قدری بود که اسرائیل آن را نزدیک به یک هولوکاست جدید توصیف کرد. در واکنش به این حمله، اسرائیل وارد عملیاتی شد که هدف آن نابودی حماس در غزه و آزادی گروگان‌ها بود. اما کار پیش‌رو برای اسرائیل دشوار بود چراکه تحلیل‌گران نظامی و سیاسی معتقد بودند که غزه یکی از مترکم‌ترین مناطق دنیاست- حدود دو تا سه میلیون نفر در مساحت بسیار کوچکی زندگی می‌کنند- و آمیختگی بخش‌های نظامی و مسکونی کار نیروهای تهاجمی را بسیار سخت می‌کند. مساله دیگر این بود که هدف قرار دادن و از بین بردن یک ایدئولوژی بسیار پیچیده‌تر از شکست دادن یک ارتش منظم است. ممکن است افراد را اسیر یا یک گروه نظامی را بتوان منهدم کرد اما نابودی فکری یا ایدئولوژی به این آسانی‌ها نیست. بنابراین ریشه دیگر و اصلی این تنش‌ها، نبرد برای آزادی فلسطین و پذیرفتن اسرائیل به عنوان یک کشور است؛ حماس با جریان‌ها و افکار گوناگونی در هم‌آمیخته از جمله گرایش‌هایی که با اخوان المسلمین مرتبط‌اند. همچنین گروه‌هایی مثل جهاد اسلامی و دیگر گروه‌های کوچک‌تر که گرچه سنی‌مذهب هستند اما برخی وابستگی‌ها یا نزدیکی‌هایی به ایران دارند. پس از شروع عملیات و شدت گرفتن برخوردها، بازیگران بین‌المللی وارد شدند. در آمریکا در آن مقطع، بایدن و حزب دموکرات و جناح طرفدار دیپلماسی تأکید داشتند که باید از راه‌های دیپلماتیک و فشارهای بین‌المللی به سمت صلح رفت. پس از او اما جناح جمهوری‌خواه که از گذشته بر «صلح از طریق قدرت» تأکید داشتند، راهکارهای نظامی یا فشار قوی را ترجیح دادند. علاوه بر آن در صحنه سیاسی داخلی اسرائیل هم ائتلاف‌هایی با گرایش‌های تندرو مثل نتانیا‌هو، نقش بر سر کار بودند که رویکرد سخت‌تری را دنبال می‌کردند. همزمان کشورهای اروپایی و برخی رهبران مانند مکرون و دیگران هم خواهان گشودن کانال‌های دیپلماتیک برای تحقق اهداف اسرائیل بودند اما برخی دیگر معتقد بودند که نابودی کامل حماس ممکن نیست. بنابراین راهکارهایی برای کنار گذاشتن حماس از مدیریت غزه مطرح شد مثل واگذاری اداره بخش‌هایی از غزه به گروه‌های تکنوکرات یا نیروهای معتدل فلسطینی (از جمله طرح‌هایی که پیش از این هم مطرح شده بود و نام محمود عباس و تشکیلات خودگردان در آن به میان آمد). اما حماس در بیانیه‌هایش به صراحت نگفت که این پیشنهادها را قبول کرده و همزمان موضوع آزادی گروگان‌ها و شرایط مرتبط با آن هنوز شفاف نبود. پس از آن نیز فشارهای منطقه‌ای و نقش کشورهای واسط مثل قطر نیز برجسته شد. در نتیجه، ظاهراً مذاکرات و فشارهای دیپلماتیک همچنین امتیازات بین‌المللی و منطقه‌ای به همراه تهدید یا نمایش قدرت نظامی، مسیر توافق را هموار کرد. در کنار این، ابعاد بازسازی و هزینه‌های سنگین بازسازی غزه-تخریب گسترده ساختمان‌ها و نیاز به منابع مالی کلان- عامل دیگری بود که در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر افتاد. به نظر می‌رسد در این مقطع حماس، گزینه دیگری نداشت؛ یا باید می‌پذیرفت که خشونت ادامه پیدا کند و شمار کشته‌ها بیشتر شود یا به راه‌حل‌هایی تن می‌داد که ترکیبی از دیپلماسی و فشار قدرت بود، چیزی شبیه «صلح از راه قدرت» نه صرفاً دیپلماسی محض. درباره ایران نیز احتمال می‌رود همین رویکرد دنبال شود و در روزها یا ماه‌های آینده باید منتظر واکنش‌ها و اولتیماتوم‌هایی باشیم که البته پاسخ آنها هنوز روشن نیست. با این حال تاکنون سیاست غالب، ترکیبی از فشار دیپلماتیک و صلح از موضع قدرت بوده است.

توافق پس از ویرانی

جنبش حماس با طرح صلح ۲۰ ماده‌ای پیشنهادی رئیس‌جمهور آمریکا برای توقف جنگ در نوار غزه به صورت مشروط موافقت کرد. این امر با استقبال گسترده جهانی روبه‌رو شد سازندگی به این موضوع پرداخته است



گروه بین‌الملل: در حالی که تنها چند روز به سالگرد حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ باقی مانده، باریکه غزه هنوز در آتش جنگ می‌سوزد. در این میان، جنبش حماس که در ابتدا با طرح صلح ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، مخالفت کرده بود، اکنون در آستانه پذیرش آن قرار گرفته است. غزه، با جمعیتی بیش از دو میلیون نفر، در طول دو سال گذشته شاهد یکی از شدیدترین جنگ‌ها در تاریخ معاصر خود بوده است. براساس گزارش‌های سازمان ملل، بیش از ۷۰ درصد از ۴۳۹ هزار خانه در این منطقه تخریب شده‌اند. نزدیک به تمامی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی تعطیل شده‌اند و زیرساخت‌های حیاتی مانند برق، آب و گاز تقریباً از بین رفته‌اند. این ویرانی‌ها، که به گفته برخی ناظران شبیه به بمباران‌های متفقین در جنگ جهانی دوم است، جان هزاران نفر را گرفته و میلیون‌ها نفر را

آواره کرده است. دولت ترامپ اخیراً طرحی ۲۰ ماده‌ای را برای پایان دادن به جنگ در غزه ارائه داده است. این طرح شامل توقف فوری عملیات نظامی، آزادی تمامی گروگان‌ها، خروج مرحله‌ای ارتش اسرائیل،





سال هشتم شماره ۲۰۷۸
یک‌شنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دولت

حجاب با اجبار ممکن نیست

پاسخ‌های مسعود پزشکیان به فاکس نیوز درباره حجاب اجباری



گروه سیاسی: در حاشیه هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی با شبکه خبری فاکس نیوز که مشروح آن روز گذشته در رسانه های کشور منتشر شد، به تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، تحولات مربوط به جنگ غزه، برنامه هسته‌ای، آینده روابط با آمریکا، جایگاه حقوق بشر و وضعیت زنان در ایران پرداخت به بیان مواضع جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف از جمله وضعیت زنان، حجاب و احترام به فرهنگ‌ها پرداخت. در بخشی از این گفت‌وگو که به موضوع حجاب و آزادی زنان در ایران اختصاص داشت پزشکیان در پاسخ به پرسشی درباره آرزوی خود برای زنان ایرانی و آزادی‌شان گفت: «امروز زنان در ایران، آزادی بیشتری دارند. در دولت ما چهار یا پنج زن در سمت‌های مدیریتی حضور دارند که در دولت‌های پیشین سابقه نداشته است». او تأکید کرد که «جمهوری اسلامی، حقوق همه افراد را در چارچوب قوانین داخلی حفظ و از آن دفاع خواهد کرد. در عین حال، اصولاً باید به فرهنگ و باورهای هر جامعه‌ای احترام گذاشت. توسعه به این معنا نیست که به فرهنگ دیگران توهین کنیم یا آنها به فرهنگ ما بی‌احترامی کنند».

وی در ادامه با ذکر خاطره‌ای از مسابقه والیبال ایران و آمریکا در ماه رمضان بر لزوم احترام به باورهای متقابل تأکید کرد و گفت: «وقتی بازیکنان آمریکایی، بطری‌های آب را برای بازیکنان روزهدار کنار زمین گذاشتند، نمونه‌ای از احترام به فرهنگ دیگری بود. ما هم باید چنین نگاهی را دنبال کنیم».

خبرنگار فاکس نیوز با طرح پرسش مستقیم درباره حجاب و اجباری بودن آن از رئیس‌جمهور ایران پرسید، آیا زنان باید در انتخاب پوشش آزاد باشند یا خیر، پزشکیان پاسخ داد: «من هیچ باوری به اجبار ندارم و آن را اجرایی نمی‌دانم. در روندی که ما دنبال می‌کنیم هم چنین چیزی وجود ندارد. هیچ‌وقت نمی‌شود با اجبار کسی را وادار به کاری کرد. اما حفظ حرمت‌ها و احترام به فرهنگ‌ها، انتظاری است که باید از یکدیگر داشته باشیم».

وی افزود: «الان هم در کشور ما، به رغم اینکه قوانینی نوشته شده اما در همان چارچوب، روندی در حال شکل‌گیری است. از نظر اعتقادی و باوری، من معتقدم که با اجبار نمی‌توان به‌راحتی کسی را وادار کرد کاری را که شما می‌خواهید، انجام دهد. باید با گفت‌وگو و روش‌های مناسب، کنار یکدیگر بنشینیم و صحبت کنیم. این مسائل با دعا و جنگ و بازداشت و اقداماتی که گاهی ممکن است اتفاق بیفتد، قابل حل نیست. در حال حاضر در ایران چنین رویکردی وجود ندارد».

پزشکیان تأکید کرد در ایران، برخلاف تصویری که برخی رسانه‌ها و نهادهای اطلاعاتی غربی ارائه می‌دهند، وضعیت متفاوت است: «بهتر است خودشان ببینند و ببینند چون آنچه درباره ایران گزارش می‌شود با واقعیت فاصله زیادی دارد. آن‌ها ذهنیتی درباره ما ساخته‌اند که واقعی نیست؛ ببینند و ببینند، کار دشواری نیست.» او گفت تنها در صورتی برخورد قانونی صورت می‌گیرد که رفتارها «بسیار فراتر از مصادیق متعارف» باشد و افزود: حتی در خود آمریکا هم اگر چارچوبی رعایت نشود، گمان نمی‌کنم اجازه دهند با افراد آن‌گونه رفتار شود اما در محدوده‌ای که هست، فعلاً کسی به خاطر این موضوع بازداشت یا مجازات نمی‌شود».

رئیس‌جمهور در پایان گفت‌وگو بار دیگر بر ضرورت احترام متقابل میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها تأکید کرد و افزود: «اگر به چنین درکی برسیم دیگر دعوایی وجود نخواهد داشت».

جدال بر سر تصویب CFT

موافقان و مخالفان چه می‌گویند؟

عاطفه شمس

گروه سیاسی

تصویب مشروط الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) در مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک‌بار دیگر خط گسل موافقان و مخالفان پیوستن به لوایح مرتبط با FATF را آشکار کرد؛ تصمیمی که برخی آن را گامی ضروری برای گشایش در اقتصاد و تعاملات بانکی کشور می‌دانند و برخی دیگر، از جمله برخی رسانه‌ها و چهره‌های اصولگرا، آن را اقدامی پرخطر و حتی بی‌اثر توصیف می‌کنند.

ماجرای لوایح مرتبط با FATF، به‌ویژه CFT، سال‌هاست در سیاست ایران محل نزاع است. طی روهای اخیر، مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از چند دور رفت‌و برگشت میان مجلس و شورای نگهبان در نهایت با پیوستن مشروط ایران به CFT موافقت کرد. بر اساس این تصمیم، ایران با اعلام ۷ شرط حقوقی و سیاسی به کنوانسیون ملحق می‌شود و هرگونه تعارض با قانون اساسی و اصول حاکمیتی کشور، ملاک خروج یا توقف تعهدات خواهد بود.

خط قرمزهای تصویب

گرچه بخشی از نمایندگان مجلس یازدهم، تصویب اخیر را «نوشدارو پس از مرگ سهراب» توصیف کردند مثل حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس که ضمن انتقاد از زمان‌بندی این تصمیم گفت: «CFT هیچ مشکلی از ما حل نمی‌کند. آنها شروط ما را نمی‌پذیرند و اگر هم می‌پذیرفتند، باز همان فشارها و تحریم‌ها ادامه پیدا می‌کرد». به باور او، ساختار اجرایی کشور با تأخیرها و بروکراسی‌های فرساینده، باعث شد این تصمیم دیرنگام و بی‌اثر باشد. اما گروهی از نمایندگان موافق معتقدند که تصویب مشروط، هرچند دیر، می‌تواند بهانه‌های سیاسی علیه ایران را کاهش دهد. حمیدرضا گودرزی، عضو فراکسیون مستقلین ولایی، معتقد است: «این مصوبه مسیر تعاملات مالی ایران با جهان را هموار می‌کند، به نقل‌وانتقال ارز و تجارت خارجی سرعت می‌بخشد و بهانه‌هایی مثل عدم شفافیت مالی را از برخی کشورها می‌گیرد». حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مدافعان تصویب مشروط CFT می‌گوید: «رای نمایندگان و اصرار بر مصوبه قبلی در واقع رای به تحکیم حق شرط‌های لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بوده است. وی در جمع خبرنگاران حق شرط‌ها را نتیجه فشار مخالفان این لایحه دانست و گفت، دغدغه مخالفان CFT باعث شد، حق شرط‌های صیانتی قوی ایجاد شود».

شروط تعیین شده، طیفی از ملاحظات حقوقی و سیاسی را در برمی‌گیرد: از اولویت قانون اساسی بر مفاد کنوانسیون

سیاست

و حق تفسیر مصادیق گروه‌های تروریستی توسط شورای عالی امنیت ملی، محدود کردن صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلافات و پایبندی به قوانین داخلی در موضوع استرداد مجرمان تا نفی هرگونه تعهد که مستلزم به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی باشد. در نگاه نمایندگان مجلس و دولت این شروط «ضمانت‌های صیانتی» هستند تا ایران بدون واگذاری خطوط قرمز خود امکان تعامل با نظام مالی جهان را به دست آورد.

از چاله به چاه

اما خوش‌بینی موافقان در جبهه مخالفان شدیداً به چالش کشیده شده است. روزنامه کیهان با لحنی تند، تصمیم مجمع تشخیص را «اقدامی تأمل‌برانگیز» خواند و نوشت: «پیوستن به کنوانسیونی که حاج قاسم و مدافعان وطن را تروریست می‌داند، چه توجیهی دارد؟» این روزنامه با یادآوری تجربه برجام هشدار داد همان‌گونه که شروط ۲۷گانه برای توافق هسته‌ای رعایت نشد، شروط ایران در CFT نیز ضمانت اجرایی نخواهد داشت: «نفس اعلام عضویت، زبان حاکمان کنوانسیون را به لحاظ حقوقی بر ایران دراز خواهد کرد».

امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس نیز با انتقاد مشابهی گفت: «پذیرش مشروط CFT نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مشکلات دیگری ایجاد خواهد کرد. این همان اشتباهی است که در برجام کردیم؛ از چاله به چاه افتادیم». در کنار این مخالفت‌ها، فضای مذهبی و خطبه‌های برخی ائمه جمعه نیز بر این ماجرا سایه انداخته است. سیداحمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد و نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی، پیش‌تر تصویب چنین لوایحی را در حکم «حرام» دانسته بود و منتقدانش اکنون می‌پرسند: «اگر مجمع تشخیص به CFT رأی مثبت داده، آیا اعضای منصوب رهبری هم مرتکب فعل حرام شدند؟» رسانه‌هایی چون عصر ایران با لحنی انتقادی نوشتند: «در قاموس



برخی، حلال و حرام بسته به اردوگاه سیاسی تغییر می‌کند». در سوی دیگر ماجرا، دولتی‌ها و نزدیکان رئیس‌جمهور پزشکیان تصویب CFT را دستاوردی در مسیر وفاق ملی توصیف می‌کنند. محمدجعفر قانین‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در پیامی نوشت: «این تصمیم ثمره عمل رئیس‌جمهور به وفاق ملی و پرهیز از تقابل‌های بی‌ثمر است. امید که با رفع این موانع، راه بهبود وضعیت اقتصادی هموارتر شود».

الگوی تکراری سیاست‌گذاری

با این حال، نگاه‌های بدبینانه همچنان پررنگ است. بهرام پارسایی، نماینده مجلس دهم، این تصمیم را «ریش‌خند به ملت» خواند و نوشت: «تصویب CFT درست پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه چه معنایی جز تمسخر مردم دارد؟» برخی دیگر از سوالی که بی‌پاسخ مانده گفتند، اینکه چه چیزی باعث شده FATF بعد از ۷ سال تصویب شود؟ آیا نفرات مجمع تشخیص مصلحت عوض شده‌اند که نشده‌اند! آیا FATF سازوکارش را عوض کرده که نکرده! ۷ سال نظام بانکی (حالا به صلاح یا به ضرر) معطل چه بود؟ آقایان مجمع تشخیص، پاسخ دهید که ۷ سال پیش از این لایحه چه دیدید که الان نمی‌بینید؟! فعالان رسانه‌ای هم یادآور شدند که تصویب CFT در مجمع حتی هزار تومان روی قیمت دلار اثر نداشته است. تصویب مشروط CFT بازتابی از الگوی تکراری سیاست‌گذاری در ایران است؛ تصمیم‌های دیرنگام، پرهزینه و همراه با اختلاف جدی در میان نخبگان سیاسی. حامیان آن را «گامی ولو کوچک در مسیر تعامل اقتصادی» می‌دانند و منتقدان، «امتیاز دادن بی‌حاصل به غرب». اما واقعیت آن است که در شرایط تداوم تحریم‌ها و فشارهای خارجی، سرنوشت این تصمیم نه در متن مصوبه مجمع که در نحوه مواجهه جامعه بین‌المللی با شروط ایران رقم خواهد خورد.

به تحریم و جنایت پایان دهید

واکنش پخشان عزیزی از زندان به بیانیه وزارت خارجه آمریکا

طی روزهای اخیر، پخشان عزیزی زندانی محکوم به اعدام در بیانیه‌ای به بیانیه وزارت خارجه آمریکا که در حمایت از خودش منتشر شده بود، واکنش نشان داد و آن را محکوم کرد. او با اشاره به جنگ‌طلبی آمریکا همچنین تحریم‌های ایران، رویکرد وزارت خارجه آمریکا را باورپذیر خوانده است.

یک فعال حقوق بشر که بیانیه پخشان عزیزی را در اختیار رسانه‌ها قرار داده با ابراز نگرانی از نوع حمایت‌های هر از گاهی آمریکا از متهمان و محکومان در ایران، معتقد است، رسانه‌های پخش‌کننده بیانیه وزارت خارجه آمریکا، بیانیه پخشان عزیزی را منتشر نخواهند کرد.

متن کامل بیانیه عزیزی از زندان در پی می‌آید:

اینجانب پخشان عزیزی، زندانی سیاسی کُرد محکوم به اعدام ضمن ردّ اتهامات انتسابی در پرونده و تقاضای تجدیدنظر در حکم اعدام، در خصوص بیانیه وزارت امور

خارجه آمریکا که ظاهراً در دفاع از من منتشر شده، خطاب به آنان اعلام می‌کنم که اگر دولت آمریکا واقعاً به مبانی حقوق بشری و انسانی پایبند است در مرحله نخست باید دست از جنگ‌طلبی، حمله و جنایت در منطقه برداشته و حمایت آشکار خود را از نسل‌کشی مردم بی‌گناه غزه قطع نموده و تحریم‌های چندین ساله خود که منجر به فشار اقتصادی



بی‌امان علیه مردمان مظلوم و دردمند این سرزمینمان شده را به پایان برساند تا ما نیز به این باور حقیقی برسیم که بیانیه‌های دولت شما از سر دلسوزی و احترام به حقوق انسان‌هاست و لاغیر!

بنده یک فرد عادی این اجتماع بوده، یک مددکار اجتماعی‌ام که حوزه کاریم اجتماعی و مردمی است نه با دولت‌ها و نه در حوزه فعالیت‌ها و بازی‌های سیاسی‌شان نقشی داشته‌ام و نه می‌خواهم، نقشی نیز ایفا نمایم. مردم خاورمیانه زیر فشار اقتصادی و اجتماعی حاصل از سیاست‌های ناقص و ناقض غرب به سرگردگی آمریکا، استعمار و استثمار صد ساله و دولت‌های منطقه‌ای له شده‌اند.

پیش از این وزارت امور خارجه آمریکا در بیانیه‌ای ادامه بازداشت پخشان عزیزی را محکوم کرده و از ایران خواسته بود که «اعدام پخشان عزیزی را متوقف کند، او و همه زندانیان سیاسی را فوراً آزاد کند».



سال هشتم شماره ۲۰۷۸
یک‌شنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

عبور از سنت مردانه

اولین نخست‌وزیر زن در ژاپن در آستانه قدرت است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



حزب لیبرال دموکرات ژاپن با انتخاب «سانانه تاکاچی» به‌عنوان رهبر جدید خود، این سیاستمدار محافظه‌کار ۶۴ ساله را در مسیر تاریخی نخستین نخست‌وزیر زن این کشور قرار داده است. تصمیمی که نه‌تنها بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و خارجی داشته بلکه می‌تواند، آغازگر فصلی تازه در سیاست ژاپن باشد.

تاکاچی در دور دوم رأی‌گیری داخلی حزب با کسب ۱۸۵ رأی در برابر ۱۵۶ رأی «شینجیرو کویزومی» به پیروزی رسید و رهبری حزبی را در دست گرفت که تقریباً بدون وقفه از پایان جنگ جهانی دوم، قدرت را در ژاپن حفظ کرده است. این پیروزی در حالی رقم خورد که نخست‌وزیر پیشین، «شیگهرو ایشیبا» ماه گذشته پس از شکست‌های انتخاباتی و افزایش اختلافات داخلی از سمت خود کناره‌گیری کرد. با وجود پیروزی تاکاچی در درون حزب، راه او برای رسیدن به نخست‌وزیری هنوز کاملاً هموار نیست. قرار است رأی‌گیری رسمی پارلمان ژاپن برای تعیین نخست‌وزیر جدید اواسط اکتبر برگزار شود. از آنجا که حزب حاکم در انتخابات سال گذشته

ادامه تیتیر یک

توافق پس از ویرانی

موافقت حماس با پایان جنگ و تبادل اسرا، یکی از مهم‌ترین تحولات کم‌سابقه دیپلماتیک در بحران خاورمیانه است؛ طرحی که ترامپ آن را «نقشه راه صلح پایدار در خاورمیانه» نامیده و وعده داده است با اجرای آن، نه‌تنها جنگ غزه بلکه زمینه‌های تنش مزمن فلسطین و اسرائیل نیز از میان برداشته شود. مطابق این طرح، امتیازات متعددی برای دو طرف در نظر گرفته شده است. برای فلسطینیان، مهم‌ترین بندها شامل توقف فوری عملیات نظامی اسرائیل، ارسال بی‌درنگ کمک‌های انسان‌دوستانه به غزه، آزادی ۱۷۰۰ زندانی فلسطینی، تضمین بازسازی غزه و ممنوعیت هرگونه اشغال یا اخراج اجباری ساکنان است. افزون بر آن، بر اساس این طرح، حماس از قدرت کنار خواهد رفت و در صورت تسلیم سلاح، اعضای آن مشمول عفو عمومی خواهند شد و می‌توانند به کشورهای دیگر مهاجرت کنند.

اداره آینده غزه نیز به کمیته‌ای متشکل از تکتوکرات‌های فلسطینی و بین‌المللی سپرده خواهد شد که زیر نظر «شورای جهانی به ریاست ترامپ» فعالیت می‌کند. در این چارچوب نیروهای بین‌المللی برای حفظ ثبات و آموزش پلیس محلی در غزه مستقر خواهند شد. برای اسرائیل نیز امتیازاتی همچون خلع سلاح کامل نوار غزه، بازگرداندن اسیران اسرائیلی، پایان عملیات ارتش و حذف کامل نقش حماس از اداره غزه در نظر گرفته شده است. این طرح در نخستین واکنش‌ها با استقبال برخی دولت‌های منطقه‌ای و بازیگران جهانی روبه‌رو شد و از سوی ناظران غربی، «واقع‌بینانه‌ترین پیشنهاد صلح از زمان توافق اسلو» توصیف گردید. با این حال موضع حماس نقطه عطفی در روند ارزیابی طرح به شمار آمد.

پذیرش مشروط حماس

جنبش حماس در بیانیه‌ای رسمی، پذیرش مشروط طرح ترامپ را اعلام کرد. این گروه با بندهای مرتبط با آتش‌بس دائمی، تبادل اسرا و کمک‌های انسان‌دوستانه موافقت کرد اما بندهای مربوط به خلع سلاح، نظارت بین‌المللی و تغییر ساختار حکمرانی غزه را رد کرد. همچنین خواستار شفاف‌سازی درباره برخی مفاد طرح و ضمانت اجرای آن شد. در بیانیه یاد شده، آمده است که حماس آماده است ۴۸ گروهان باقی‌مانده اسرائیلی را مطابق طرح پیشنهادی آزاد کند. طبق مفاد این طرح، آزادی گروهان‌ها باید حداکثر ۷۲ ساعت پس از آغاز آتش‌بس دائمی انجام گیرد و در مقابل، بیش از دو هزار زندانی فلسطینی به همراه اجساد قربانیان جنگ از سوی اسرائیل آزاد می‌شوند. با این حال حماس تصریح کرده که اجرای این بخش از توافق تنها در صورتی ممکن است که «شرایط میدانی لازم برای تبادل» فراهم شود. بر اساس گزارش‌ها، حماس به میانجی‌ها اطلاع داده که از محل دفن برخی از گروهان‌های کشته شده، آگاه نیست و بازگرداندن همه اجساد ممکن است به زمان نیاز داشته باشد؛ مسأله‌ای که می‌تواند در اجرای مرحله نخست طرح اختلال ایجاد کند.



به شدت کاهش یافته است. اکنون او باید همزمان با احیای انسجام درون‌حزبی، اعتماد از دست‌رفته مردم را نیز بازگرداند. از سوی دیگر، روابط ژاپن و آمریکا نیز در سال‌های اخیر با تنش‌هایی همراه بوده است. کارشناسان می‌گویند یکی از نخستین آزمون‌های نخست‌وزیر احتمالی ژاپن، مدیریت روابط با واشنگتن و تعامل با دولت آمریکا بر سر تعرفه‌های تجاری و همکاری‌های امنیتی خواهد بود.

انتخاب سانانه تاکاچی، چه از منظر نمادین و چه سیاسی، نقطه عطفی در تاریخ ژاپن به شمار می‌رود؛ کشوری که هنوز از لحاظ برابری جنسیتی در رده‌های پایین جهان قرار دارد. اگر او در رأی‌گیری پارلمانی پیروز شود، نه‌تنها نخستین زن در مقام نخست‌وزیری ژاپن خواهد بود بلکه شاید چهره‌ای تازه از سیاست سنتی و مردانه این کشور را به نمایش بگذارد.

خود می‌داند و بارها گفته است که قصد دارد همان روحیه قاطع و اصلاح‌گر را در سیاست ژاپن پیاده کند. مواضع تند او درباره امنیت و دفاع، از جمله حمایت از بازنگری در قانون اساسی صلح‌طلب ژاپن، می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیک مهمی در شرق آسیا داشته باشد. تاکاچی در ماه‌های گذشته پیشنهاد داده بود که ژاپن باید همکاری‌های امنیتی نزدیک‌تری با تایوان برقرار کند؛ موضوعی که احتمالاً خشم پکن را برخواهد انگیزخت. همچنین بازدیدهای او از معبد یاسوکونی - که بسیاری در چین و کره جنوبی آن را نماد نظامی‌گری دوران امپراتوری ژاپن می‌دانند - می‌تواند روابط توکیو با همسایگانش را پیچیده‌تر کند. در سیاست داخلی نیز تاکاچی با چالش‌های بزرگی روبه‌روست. حزب لیبرال دموکرات طی سال‌های اخیر درگیر رسوایی‌های مالی و اختلافات جناحی بوده و محبوبیت آن

اروپا

هجوم پهپادهای ناشناس به آسمان اروپا

اروپا در وضعیت هشدار قرار گرفت

گروه بین‌الملل: شامگاه پنج‌شنبه، فرودگاه بین‌المللی مونیخ در آلمان، یکی از اصلی‌ترین مراکز ترانزیتی اروپا، به‌دلیل مشاهده پهپادهای ناشناس به‌طور موقت تعطیل شد و پروازهای نزدیک به سه هزار مسافر لغو گردید. پلیس آلمان اعلام کرد که پهپادها در ساعات پایانی شب مشاهده شدند اما به‌دلیل تاریکی، نوع و اندازه آنها مشخص نیست. این حادثه تازه‌ترین مورد از مجموعه‌ای از رخدادهای مشابه در اروپاست که هفته گذشته نیز موجب تعطیلی موقت فرودگاه‌هایی در دانمارک، نروژ و لهستان شد. تکرار این رویدادها، نگرانی‌های امنیتی تازه‌ای برای اروپا ایجاد کرده است. رهبران اروپایی در نشست اخیر خود در کپنهاگ با لحنی هشدارآمیز از احتمال آغاز «جنگ ترکیبی روسیه» سخن گفتند. به گزارش روزنامه فایننشال تایمز، «مته فردریکسن» نخست‌وزیر دانمارک تأکید کرده که هدف چنین اقداماتی، ایجاد تفرقه و شکاف در درون اروپاست. او گفت: «باید بپذیریم این احتمالاً آغاز کار است و همه اروپایی‌ها باید بفهمند چه اتفاقی در حال رخ دادن است». اگرچه هنوز هیچ مدرک رسمی مبنی بر نقش روسیه منتشر نشده اما تحلیلگران معتقدند، کشورهای اروپایی اکنون با تهدیدی روبه‌رو هستند که فراتر از جنگ نظامی در اوکراین است و شامل عملیات سایبری، اطلاعاتی و روانی نیز می‌شود. در همین نشست دانمارک، رهبران اروپایی ایده ایجاد «دیوار پهپادی» در مرزهای شرقی و شمالی قاره و تقویت سامانه‌های دفاعی را مطرح کردند. اتحادیه اروپا در حال بررسی تأمین مالی مشترک این پروژه است، هرچند برخی کشورهای غربی نگرانند که بیشتر این منابع به نفع کشورهای شرقی تمام شود. به گفته کارشناسان، ترکیب حملات سایبری، عملیات اطلاعاتی و نفوذ پهپادی نشان می‌دهد، مرز میان امنیت و اقتصاد در اروپا هر روز باریک‌تر می‌شود و قاره سبز با نوعی تهدید ترکیبی روبه‌روست که همزمان امنیت، ثبات سیاسی و زیرساخت‌های اقتصادی آن را هدف گرفته است.



موضع ترامپ و نتانیاهو

در ادامه، ترامپ روز جمعه سوم اکتبر اعلام کرد که حماس برای صلح پایدار آماده است و برای نخستین بار از اسرائیل خواست «فوراً حملات خود به غزه را متوقف کند». او ضمن استقبال از پاسخ حماس، گفت که واشنگتن در حال گفت‌وگو درباره جزئیات نهایی طرح است و مخالفتی با ادامه مذاکرات برای تکمیل مفاد ندارد. ترامپ مدعی شد: «طرح من صرفاً برای صلح در غزه نیست بلکه صلحی است که دهه‌ها خاورمیانه در انتظارش بوده است»، در مقابل، دفتر نتانیاهو نیز با صدور بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که «اسرائیل آماده اجرای مرحله نخست طرح برای آزادی فوری همه گروگان‌هاست». اما منابع نزدیک به نخست‌وزیر اسرائیل فاش کردند که او از واکنش سریع ترامپ غافلگیر شده است. بنا بر گزارش شبکه «کانال ۱۲» اسرائیل، نتانیاهو در جلسه‌ای داخلی پیش از اظهارات ترامپ گفته بود که «پاسخ حماس در واقع نوعی عدم پذیرش است» و تأکید کرده بود باید مواضع تل‌آویو با واشنگتن هماهنگ شود تا برداشت اشتباهی مبنی بر موافقت واقعی حماس شکل نگیرد.

آغاز فصل تازه مذاکرات

در ادامه، اسرائیل اعلام کرد که یک هیات عالی‌رتبه را برای مذاکرات در قاهره اعزام می‌کند. به گزارش روزنامه «بیدعوت آحارونوت»، «ران درمر» وزیر امور راهبردی، ریاست این هیات را بر عهده دارد. در مذاکرات قاهره، علاوه بر نمایندگان اسرائیل و مصر، استیو ویتکاف نماینده ویژه کاخ سفید در امور خاورمیانه و جرد کوشنر مشاور ارشد ترامپ نیز حضور خواهند داشت.

توپ در زمین آمریکا و اسرائیل

تحلیل‌گران معتقدند، بیانیه اخیر حماس با ظرافت و محاسبه سیاسی تنظیم شده است. این بیانیه نه‌تنها مانع ادامه تلاش‌های

صلح ترامپ نمی‌شود بلکه مسئولیت تصمیم‌گیری نهایی را به طرف آمریکایی منتقل می‌کند. از منظر تاکتیکی این رویکرد می‌تواند، اسرائیل را در برابر فشارهای احتمالی از سوی واشنگتن قرار دهد. اما تحقق این فشارها با موانع جدی روبه‌روست. تجربه نشان داده که رفتار ترامپ در سیاست خارجی ناپایدار، شخصی و مقطعی است؛ از این رو، اعتماد کامل به ابتکار او دشوار است. با وجود این، پذیرش مشروط حماس، اقدامی هوشمندانه ارزیابی می‌شود که همزمان مسیر دیپلماسی را باز نگه می‌دارد و اصول مقاومت را نیز حفظ می‌کند. در همین راستا، برخی ناظران غربی معتقدند که شتاب ترامپ در واکنش به موضع حماس ممکن است ناشی از انگیزه‌های شخصی مانند دریافت جایزه صلح نوبل باشد. با این حال تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که هدف اصلی او بازسازی نقش رهبری آمریکا در معادلات خاورمیانه و مقابله با نفوذ فزاینده چین و روسیه در بحران فلسطین است. در مجموع، آنچه در هفته‌های اخیر در قالب طرح صلح ترامپ شکل گرفته بیش از آنکه پایان واقعی جنگ غزه باشد، آغاز فصل تازه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه است. حماس با موضع‌گیری محتاطانه خود توانسته است در زمین دیپلماسی، ابتکار عمل را در دست بگیرد بدون آنکه از اصول بنیادین خود عقب‌نشینی کند.

آخر کار چیست؟

در حالی‌که توافق آتش‌بس در دسترس به نظر می‌رسد، چالش‌های زیادی پیش رو است. اختلافات عمیق در مورد اداره غزه، نقش حماس در آینده، و تضمین‌های امنیتی همچنان باقی مانده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد که در آستانه سالگرد ۷ اکتبر، طرفین در حال حرکت به سوی یک توافق هستند که می‌تواند به دو سال ویرانی و خونریزی در غزه پایان دهد.

یاد

طنز عمران انقضا ندارد

سبک نویسندگی **عمران صلاحی** به روایت **سعید بیابانکی**

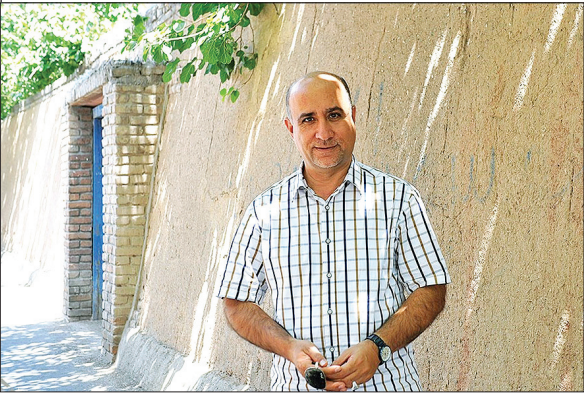


بدیم، چرخ ستاره پنجره / رو آسمون شهری که ستاره برق خنجره / گلدون سرد و خالی رو، بذار کنار پنجره / بلکه با دیدنش یه شب، وا بشه چن تا خنجره / به ما که خسته‌ایم بگه، خونه باهار کدوم وره / تو شهرمون آخ بهیم، چشم ستاره کور شده / پرگ درخت باغمون، زیاله سپور شده / مسافر امیدمون، رفته از اینجا دور شده / کاش تو فضای چشمون، پیدا بشه یه شاپره / به ما که خسته‌ایم بگه، خونه باهار کدوم وره...». شعر «پچه جوادی» را من تحت‌تأثیر همین اثر سرودم. کتاب «گریه در آب» شامل آثار نیما، غزل، رباعی، ترانه و در مجموع عصارة اشعار عمران صلاحی است و روحیه طنز او نیز در آن تجلی دارد. کم‌کم به سمت طنز مطبوعاتی هم رفت ولی در این آثار به‌گونه‌ای کار کرده که تاریخ انقضا ندارد و با این‌که در جریان ۲۰ و ۳۰ سال پیش می‌توان ریشه آن‌ها را یافت و هنوز خواندنی است. عمران صلاحی هم در حوزه طنز و هم شعر بسیار توانمند بود و شگردهای پنهان و پیدای هنر خود را به شکل‌های مختلف طنز، غزل، رباعی و در عرصه نویسندگی نشان می‌داد. عمران از موفق‌ترین شاعرانی بود که قالب نیما را به خوبی شناخت و در آن هنر خود را به نمایش گذاشت. زوایای بسیاری از هنر شاعری و نویسندگی عمران صلاحی مغفول مانده که نیکوست در پژوهش‌های دانشگاهی به آن‌ها توجه شود.»

تحت‌تأثیر عبید و مولانا

سعید بیابانکی درباره این‌که عمران صلاحی تحت‌تأثیر کدام طنزنویسان بوده، می‌گوید: «از نظر شکل و ساختار نوشتار بیشتر از عبید زاکانی و در روایت حکایات فلسفی از مولانا تأثیر گرفته بود. عمران را در طنز یکی از قدرتمندترین‌های معاصر می‌دانم که دوشادوش ابوالفضل زرویی نصرآباد و ابراهیم نبوی، طنز را شکل داد و هم‌چون معلمی بود که هر شعرش را می‌توانیم بک کلاس درس بدانیم. امروز تمام طنزپردازانی که طنز مطبوعاتی خلق می‌کنند، کم و بیش تحت‌تأثیر عمران صلاحی قرار دارند.»

بیابانکی درباره سبک خاص طنز عمران صلاحی و وجه تمایز او از دیگر شاعران طنزپرداز می‌گوید: «شگرد صلاحی آن بود که بر اساس اتفاقات و اخبار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه طنزآفرینی می‌کرد ولی آن‌چه می‌نوشت خبری نبود و تاریخ انقضا نداشت. از سوی دیگر قلمی روایتگر داشت که همین امر باعث شد، داستان‌های کوتاه و رمان‌های خوبی خلق کند. «موسیقی عطر گل سرخ» رمان عجیب و شیرینی است که اگر دیده می‌شد، می‌توانست جوایز ادبی بزرگی را از آن خود کند.»



خبرگزاری ایبنا به مناسبت ۱۱ مهر که سالروز درگذشت این شاعر و طنزپرداز برجسته است با سعید بیابانکی، از شاعران طنزپرداز درباره شعر عمران صلاحی و طنز او گفت‌وگو داشته است. بیابانکی در این گفت‌وگو درباره خاستگاه‌های طنز عمران صلاحی می‌گوید: «عمران صلاحی قبل از این‌که طنزنویس باشد یک شاعر خلاق بود. اولین کتابی که از او خواندم «گریه در آب» بود که در ایام دانشجوئی و حول‌وحوش ۲۰ سالگی آن را مطالعه کردم. همین اثر به شاعری من شتاب داد «کمک کتین هلس

پدر به روایت پسر

روایت بابک اعطا از زندگی، نویسندگی و تعاملات پدرش، **احمد محمود**

رفاقت با یونسی و دولت‌آبادی

پسر احمد محمود درباره این‌که پدرش با کدام یک از نویسندگانش بیشتر رفت‌وآمد داشت، می‌گوید: «بیشتر با دکتر ابراهیم یونسی و محمود دولت‌آبادی. خیلی با هم بودند و اغلب هم به خانه ما می‌آمدند و دور هم می‌نشستند و کتاب می‌خواندند و راجع به مسائل مختلف بحث می‌کردند. در مورد کارهای خودشان حرف می‌زدند و اگر کاری دست‌شان بود، درباره آن حرف می‌زدند و نظرات یکدیگر را می‌پرسیدند. خیلی روزها با هم بودند. هفته‌ای یک روز برنامه‌شان این بود که با هم باشند. البته مدام تلفن می‌زدند و حداقل هفته‌ای یک بار با هم بودند. البته خیلی‌ها پیش پدر می‌آمدند. جوان‌هایی که به داستان‌نویسی علاقه‌مند بودند، کارهای‌شان را می‌آوردند. پدر هم خیلی با حوصله کارهای‌شان را می‌خواند و نظراتش را می‌داد. صادقانه هم نظر می‌داد. اگر کاری خوب نبود، می‌گفت خوب نیست و اگر کاری خوب بود هم نظرش را می‌گفت. پادم هست یک‌بار آقای هوشنگ گلشیری با شاگردانش این‌جا آمد؛ در را زدند و در را باز کردم. دیدم آقای گلشیری با عده‌ای از شاگردانش هستند. زمانی که وارد شد، گفت: ما به سوی خلق آمده‌ایم! آمدند داخل و دور تا دور روی زمین نشستند و پدر را ببینند. آن روز را خیلی خوب پادم است و روز قشنگی بود. این دیدار بعد از نقدهایی که گاه در نشریات می‌نوشت، افتاد. اتفاق خوبی بود. نویسندگهای مسلمان هم اینجا می‌آمدند و پدر همه را خیلی خوب تحویل می‌گرفت و با حوصله هم تحویل می‌گرفت و با حوصله کارهای‌شان را می‌خواند و نظراتش را می‌داد.»

اتاقی که زمان در آن ایستاده

در این اتاق در محله نارمک تهران ۲۳ سال است که زمان روی ساعت ۱۰:۲۰ دقیقه مانده است؛ ۱۰:۲۰ دقیقه ۱۲ مهر سال ۱۳۸۱؛ یعنی از زمان درگذشت احمد محمود. تقویم روی دیوار مهر ۱۳۸۱ را نشان می‌دهد و ساعت روی ۱۰:۲۰ دقیقه ثابت مانده. بابک اعطا می‌گوید: «ساعت را در زمان فوت پدر نگه داشتیم؛ از بیمارستان که برگشتم، ساعت را روی زمان فوت پدر تنظیم کردم و باتری‌اش را درآوادم. این

سینمای ایران

تایید رسمی ابطال بلیت

دبیر ستاد صیانت از آثار و محصولات سینمایی صحبت‌های **فرحبخش** را تایید کرد

طور گسترده و ابطال بلیت می‌کنند این اقدام را تایید کرد و آن را از جمله تعاملات میان تهیه‌کنندگان و سینماداران برای ادامه اکران فیلم‌ها دانست. او حتی با تشریح چگونگی این اقدام گفت که در بسیاری از موارد حتی پولی میان این دو رد و بدل نمی‌شود و تهیه‌کننده با آشنایی و رفاقت با سینمادار از او می‌خواهد که به طور مثال ۱۰۰ بلیت را در یک



گلاویز نادری

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

میثم زندی هفته گذشته پس از گذشت ۷ ماه از اداره کل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی رفت. این مدیر سینمایی اسفند سال گذشته به عنوان جایگزین روح‌الله سهرابی، سرپرست اداره کل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم شد. در ماه‌های گذشته بارها خبرهای غیررسمی درباره تغییر مدیر این پست مهم در سازمان سینمایی به دلیل ارائه پروانه نمایش به «پیر پسر» و اکران «زن و پچه» یا صدور پروانه نمایش برای فیلم «غریزه» شنیده می‌شد اما در پیگیری‌های رسمی آن وارد می‌کردند تا اینکه در آستانه شروع فصل جشنواره‌ها، یکی دیگر از مدیران سینمایی جایگزین وی شد. البته او با حکم سیدروح‌الله حسینی، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی به عنوان دبیر ستاد صیانت از آثار و محصولات سینمایی منصوب شد و این به این معنی است که فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی تنها تن به یک جابه‌جایی مدیران زیرمجموعه‌اش داد و بسا این کار تلاش کرد، مخالفت‌ها و اعتراض جناح غیرهمسو با عملکرد سازمانی سینمایی را کمی کاهش دهد. در واقع میثم زندی هنوز یکی از مدیران این سازمان است که در سمتی دیگر مشغول به کار است و احتمالاً مدیر جدید اداره کل نظارت با مشورت او فعالیت‌های خود را پیش خواهد برد.

زندی جمعه شب با حضور در برنامه سینمایی هفت از برخی از اتفاقاتی که در دوره او رخ داده بود، پرده برداشت و صریحاً ابطال بلیت توسط تهیه‌کنندگان را برای ادامه اکران یک فیلم و بالا بردن فروش تایید کرد. او همچنین بر اینکه همکاری خوبی با فریدزاده و حسینی در سازمان سینمایی داشته گفت و تاکید کرد، کار او در این سازمان به پایان نرسیده است.

زندی در پاسخ به پرسش اخفمی درباره صحبت‌های محمدحسین فرحبخش که گفته بود، برخی از تهیه‌کنندگان اقدام به خرید بلیت به



شبکه

بازگشت پیکي بلايندرز

کيلين مورفي ۲ فصل تازه اين سريال موفق را تهيه مي کند

اصلی سری پنجم و سری بعدی تبدیل کتم زیرا تا دهه ۳۰ می‌رویم. من فقط می‌خواهم، جذابیت این ایده‌های ساده ناسیونالیسم که موسلی نماینده آن بود را بررسی کنم. به همین دلیل است که ما سام کلافلین را گرفتیم زیرا کسی را می‌خواستیم که واقعاً جذاب باشد.

پس از اینکه اعلام شد، فصل ششم آخرین فصل از این مجموعه خواهد بود، نایت شفاف‌سازی کرد که بعد از وقفه یک ساله تولید در سال ۲۰۲۰ تصمیم گرفته شد که یک فیلم بلند سینمایی به جای هفتمین فصل تولید شود که احتمالاً با مجموعه‌های تلویزیونی مرتبط با آن دنبال خواهد شد.

اوایل سال میلادی جاری فیلم سینمایی آن در سینماها اکران شد. استیون نایت خالق این مجموعه بلايندرز» از طرفداران آن خواست، فیلم جدید را در سینماها ببینند و دسته‌جمعی در یک فضا به تماشاى آن بنشینند. «پیکي بلايندرز» از صفحه کوچک تلویزیون به چنین اوجی رسید، استیون نایت خالق و نویسنده سريال تاکيد داشت که فیلم بلند او متعلق به سینماهاست. نایت درباره این فیلم گفته بود: «واقعاً می‌خواهم، طرفداران «پیکي» که نقش مهمی در شکل‌گیری این فیلم داشته‌اند، همه آن را با هم در یک ساختمان تماشا کنند. تاکنون همه ارتباط‌ها مجازی بوده است اما دلم می‌خواهد، این فیلم در سینماها نمایش داده شود تا همه بتوانند با هم بنشینند و این اتفاق را تماشا کنند. کیلین مورفی پس از کسب جایزه اسکار که سال پیش برای ایفای نقش جی اربارت اوپنهایم، پدر بمب اتمی در «اوپنهایم» کریستوفر نولان ایفا کرد، دوباره به دنیای شلبي‌ها بازگشته است.

داستان این مجموعه در بیرمنگام انگلستان جریان دارد و به کارهای گروه تیهکار پیکي بلايندرز در عواقب مستقیم جنگ جهانی اول می‌پردازد. این باند خیالی بر اساس باند واقعی جوانان شهریه به همین نام ساخته شده که از دهه ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۰ در این شهر فعال بوده‌اند. گروه اصلی بازیگران کیلین مورفی، هلن مک‌کروری، پاول اندرسن، سوفی راندل و جو کول هستند و سم نیل، آتایل والیس، ایو گلدبرگ، تام هاردی، شارلوت رابلی، فین کول، ناتاشا اوکیف، پدی کانسیداین، آدرین پرودی، آیدان گیلن، آتیا تیلور-جوی، سم کلفلین، جیمز فرش‌ویل و استیون گراهام از دیگر بازیگران این مجموعه‌اند.

تنتلیکس تحت قراردادی با شرکت واینستین و اندمول، حق انتشار این نمایش را در ایالات متحده و سراسر جهان به دست آورد. فصل ششم به عنوان آخرین فصل این مجموعه در سال ۲۰۲۲ پخش شد.

طبق گزارش اداره ملی آمار انگلیس (ONS) پیکي بلايندرز، تأثیر فرهنگی قابل تشخیصی در بریتانیا داشته است. در سال ۲۰۱۸ نام آرتور برای اولین بار از دهه ۱۹۲۰ در میان ۱۰ نام برتر پسران قرار گرفت و آیدا نیز برای اولین بار در یک قرن اخیر به ۱۰۰ نام برتر دختران رسید. فرضیه ONS این است که محبوبیت این نام‌ها از شخصیت‌های آرتور شلبي و آیدا تورن الهام گرفته شده است.

سريال «پیکي بلايندرز» با نسل جدیدی از شلبي‌ها به صفحه نمایش کوچک بازمی‌گردد. این سريال به سفارش تنتلیکس در ۲ فصل جدید ساخته می‌شود و تهیه‌کننده اجرایی آن کسی نیست جز: کیلین مورفی.

گفته شده، سفارش ساخت سريال «پیکي بلايندرز» به نویسنده و خالق این سريال محبوب یعنی استیون نایت داده شده است. این سفارش از سوی تنتلیکس و بی‌بی‌سی شامل ۲ فصل جدید قرار است، ماجرای این خانواده را در بریتانیای سال ۱۹۵۳ دنبال کند. درباره بازیگران ۲ فصل جدید فعلاً اطلاعاتی منتشر نشده اما کیلین مورفی، ستاره اصلی «پیکي بلايندرز» به عنوان تهیه‌کننده اجرایی در این سريال حضور خواهد داشت.

در شرح داستان آمده: بیرمنگام پس از بمباران شدید در جنگ جهانی دوم در حال ساختن آینده‌ای بهتر از بتن و فولاد است. در دوره جدید سريال «پیکي بلايندرز» استیون نایت، رقابت برای تصاحب پروژه عظیم بازسازی بیرمنگام را به رقابتی بی‌رحمانه با ابعاد افسانه‌ای بدل می‌کند. رقابت در شهری با فرصت‌ها و خطرات بی‌سابقه با خانواده شلبي که درست در قلب خونین آن قرار دارد. فیلمبرداری ۲ فصل جدید در بیرمنگام انجام می‌شود.

نایت با انتشار بیانیه‌ای گفت: از فصل جدید داستان «پیکي بلايندرز» بسیار هیجان‌زده‌ام. این فصل دوباره ریشه در بیرمنگام خواهد داشت و داستان شهری را روایت خواهد کرد که از خاکستر حمله‌ای برق‌آسای برمی‌خیزد. نسل جدید شلبي‌ها، سکان را به دست گرفته‌اند و سفری جهنمی خواهد بود. این ۲ فصل جدید شامل ۶ قسمت ۶۰ دقیقه‌ای خواهد بود. این در حالی است که «پیکي بلايندرز» اوایل سال ۲۰۲۶ در قالب یک فیلم سینمایی با عنوان «مرد جاودانه» سريال را ادامه می‌دهد. در این فیلم، کیلین مورفی در کنار استیون گراهام، ریکا فرگوسن، تیم راث و بری کیوگان، نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند. فیلمنامه توسط نایت نوشته شده و تام هارپر، کارگردان سريال‌هایی چون «اینجا انگلستان ۸۶ است»، «زن سیاه‌پوش: فرشته مرگ» و چندین قسمت از «پیکي بلايندرز» کارگردانی آن را انجام داده است. سريال «پیکي بلايندرز» به مدت ۶ فصل از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ در تنتلیکس پخش شد و پس از سال‌ها سرانجام تابستان ۲۰۲۴ ساخت یک فیلم سینمایی اعلام شد. در این فیلم، کیلین مورفی به عنوان بازیگر و تهیه‌کننده بازگشته و تام هارپر، کارگردانی را انجام داده است. ما از تاریخ واقعی می‌دانیم که اسوالد موزلی با همسر دوم خود دایانا گینس در سال ۱۹۳۳ در خانه جوزف گوبلز ازادواج کرد و آدولف هیتلر، مهمان افتخاری بود. موزلی تا سال ۱۹۸۰ زنده ماند. با این حال هنوز درام‌های سیاسی زیادی در جریان است.

فصل پنجم درباره ظهور فاشیسم، ناسیونالیسم و نژادپرستی در دهه ۳۰ بود و شباهت‌های زیادی با آنچه اکنون در جهان اتفاق می‌افتد، وجود دارد. استیون نایت، خالق پیکي بلايندرز می‌گوید: می‌خواستم آن را به موضوع

وجود پدر هستند و با وسواس از یادگاری‌های او نگهداری می‌کنند، هرچند که نگهداری‌شان در طول زمان سخت و سخت‌تر می‌شود. می‌گوید: «سعی کردم با گذاشتن وسایل در این جا، لحظه به لحظه زندگی پدر را بازسازی کنم، هر کدام لحظه‌ای از زندگی پدر است. سعی‌ام بر این بود. زمانی که می‌خواستم خانه را رنگ‌آمیزی کنم، نتوانستم این اتاق را رنگ کنم و گفت‌م ولش کنید، می‌خواستم حال و هوایش بماند.» هر آنچه را از پدرش – که او را بزرگ‌ترین سرمایه‌زندی‌اش می‌خواند – دارد با احتیاط برمی‌دارد، با عشق به آن‌ها نگاه می‌کند و لبخندی بر لبانش می‌نشیند. اسیر خاطره می‌شود و حکایت حال آن‌ها را می‌گوید. قاب‌هایی از دهخدا و هدایت و «سارک» دختر کوچک احمد محمود روی دیوارها، کتاب‌های کتاب‌خانه از «روزشمار تاریخ ایران»، «ایران بین دو انقلاب» «بیماری‌های کلیه» و «بیماری‌های قلب و عروق» گرفته تا «حافظ شیرین‌سخن»، «شرحی بر حافظ»، «کتاب کوچه» احمد شاملو و «ابومسلم‌نامه»، جایزه‌های احمد محمود از «گردون» و «مهرگان ادب» گرفته تا «هوشنگ گلشیری»، «عینک‌هایش روی میز و هدیه‌ای‌های جفت شده زیر میز و هدیه‌ای که زهره، همسر کیانوش عیاری آورده روی قفسه. بابک اعطا از اینکه دل‌تنگ پدر می‌شود، می‌گوید: «من هنوز با او حرف می‌زنم. هیچ‌کس او را به عنوان یک پدر شناخت. بی‌ظنیر بود. از همه چیز برای بچه‌هایش می‌گذشت. پدر بی‌ظنیری بود و هر کاری از دستش برآمد، برای‌مان کرد. او نویسنده‌ای نبود که جنبه پدری‌اش کم‌رنگ نباشد.» سپس از مادرش یاد می‌کند که با پدرش دخترعمه پسردایی بودند و از ازدواج آن‌ها در دوره نوجوانی و اختلاف عقیده‌شان می‌گوید: «پدرم به عنوان یک نویسنده و روشن‌فکر ممکن بود مانند بسیاری از روشن‌فکران و هنرمندان، زمانی که به سنی رسید و مشهور شد، زنش را طلاق بدهد اما پدر این کار را نکرد با اینکه در شرایط ناخواسته‌ای برایش زن گرفتند، همسرش را رها نکرد و می‌گفت این زن چه گاهی کرده است، چون من مرد هستم و توانایی دارم طلاقش بدهم؛ این حرف‌ها چیست؟! همان بلایی که سر من آمده، سر او هم آمده است. به مرور زمان آن‌ها همدیگر را خیلی دوست داشتند و پدرم می‌گفت اگر این زن را نداشتم، احمد محمود نبودم و این زن باعث شد که من احمد محمود شوم. پدرم آدم بسیار شریفی بود، بسیار شریف. مادر هم همه زندگی‌اش را برای او گذاشت.»

و داستان مدادهای روی میز که روزگاری ۱۶ تا بودند و حالا کمتر شده را این گونه می‌گوید: «پدرم عادت داشت هر شب ۱۶ مداد را تراش و آماده نوشتن می‌کرد تا هنگام نوشتن، و قتش برای تراش کردن مدادها نرود. البته در این سال‌ها برخی از کسانی که آمده‌اند، یکی یکی مدادها را برداشته‌اند و الان تعداد کمی از آن‌ها مانده است. البته مدادهای استفاده نکرده بسیاری داریم که نمی‌دانم آن‌ها را چه کنم.»

مدیر سینمایی تاکید کرد: «باید یاد بگیریم که سلاقی شخصی خود را به جامعه تعمیم ندهیم و به انتخاب مخاطب احترام بگذاریم. تصمیمات مدیران فرهنگی، تبعات بلندمدت دارد و باید با مشورت متخصصان حوزه سینما انجام شود تا آسیب به نسل‌ها و فضای فرهنگی کاهش یابد و علم و تخصص معیار اصلی ارزیابی آثار فرهنگی باشد.»

زندی در پاسخ به پرسشی درباره چرایی حذف فیلم «غریزه» از اسکار توضیح داد و در ارتباط مستقیم با سیاوش اسعدی، کارگردان این فیلم گفت: «فیلم غریزه پیش از عید پروانه نمایش گرفت اما به دلیل ملاحظات و احتیاط‌ها، صحنه‌هایی حذف شد تا به کارگردان آسیب نرسد. فضای محدودکننده سینما باعث بروز بحران‌های بی‌دلیل می‌شود. فیلمسازان دقت بیشتری نسبت به مدیران دارند و آثارشان باید با همان شکل اولیه روی پرده برود. او با اشاره به اصلاحاتی که در چند مقطع به این فیلم وارد شده به کتابه گفت که احتمالاً «غریزه» با این اصلاحات باید در جشنواره فیلم کوتاه تهران شرکت کند! سیاوش اسعدی هم با تأیید صحبت‌های زندی و اینکه دستور حذف فیلم از کمیته اسکار از جای دیگری صادر شده که ربطی به این مدیر سینمایی ندارد، گفت: «پیش از کنار گذاشتن «غریزه» از اسکار، گفت‌وگوی مفصلی با آقای زندی داشتم و متوجه شدم که او در این تصمیم چندان مقصر نبوده و دستور حذف فیلم از جای دیگری آمده بود. گرچه نام «غریزه» در لیست‌های رسمی وجود داشت اما نهایتاً از داوری کنار گذاشته شد.»

زندی با انتقاد از رویکرد مکانیکی و جزیره‌ای به سینما و مقوله فرهنگ گفت: «پیشرفت فرهنگی زمانی محقق می‌شود که نگاه ارگانیک و همبسته به فرهنگ داشته باشیم نه رویکرد مکانیکی و جزیره‌ای. در این نگاه همه اجزای فرهنگ باید به وحدت رویه برسند تا توسعه شکل بگیرد. نبود تعریف دقیق از فرهنگ و فعالیت فرهنگی باعث شده گاهی به‌خاطر مسائل ناچیز، افراد یکدیگر را آزار دهند.» مدیر سابق اداره کل نظارت با اشاره به رونق اکران فیلم‌های اجتماعی گفت: «سینمای ایران پیش‌تر تک‌بعدی و غالباً کم‌دی بود و فیلم‌های اجتماعی، شاعرانه و فلسفی کمتر تولید می‌شدند و دیده نمی‌شدند. تلاش‌ها باعث شد اینگونه آثار وارد چرخه اکران شوند و اقبال تماشاگر نشان داد که جامعه تشنه توع ژانر است و سینما می‌تواند، محلی برای اندیشیدن و گفت‌وگو پیرامون مسائل اجتماعی باشد». او تاکید کرد: «سینما به‌عنوان یک اثر هنری از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی با جامعه و تجربه‌های زیسته هنرمند در هم تنیده است. اثر هنری در تعامل با اقتصاد، فرهنگ و فضای اجتماعی، معنا پیدا می‌کند و شکل‌گیری جلوه‌های شاعرانه و خلاقانه سینما بستگی مستقیم به باز بودن این فضای اجتماعی و اقتصادی دارد».



ساعت، ساعت فوت پدر است.» و درباره آیفونی که کنار میز خودنمایی می‌کند، با خنده می‌گوید: «راه ارتباطی داخل طبقات است تا اگر پدر کارمان داشت، صدای‌مان کند و مجبور نشود، داد بزند.»

بعد اشیاء دور و بر را نشان می‌دهد؛ «عکسی از دوران مدرسه احمد اعطا در مدرسه»، «گواهی‌نامه دوچرخه‌سواری»، «عکسی از احمد محمود و ابراهیم یونس»، «اعتبارنامه خروج از بندر لنگه در دوران تبعید»، «میز دست‌ساز محمود، زمانی که می‌خواسته روی زمین بنشیند و داستان بنویسد» و... پسر احمد محمود سری لغت‌نامه دهخدا را مربوط به روزهای پایانی زندگی این نویسنده عنوان می‌کند و داستانش را این گونه تعریف می‌کند: «آن زمان دایی‌ام که پزشک پدرم هم بود این مجموعه را خرید. حال پدر بد بود و دایی‌ام این کتاب‌ها را آورد و گفت بگذارید، امیدوار شود و فکر کند هنوز زنده است.»

اینجا اتاقی است که روزگاری آقای نویسنده هر روز داستان را در آن نفس می‌کشید و حالا جای‌جای اتاق داستانی دارد، داستان‌هایی از زندگی او؛ پسر از جزئیات، از کتاب‌های مختلف که در قفسه‌های کتاب‌خانه جا خوش کرده تا مدادهای روی میز و مدادتراش. اشیاء بی‌جانسی که بابک اعطا، فرزند احمد اعطا که همگان او را با نام احمد محمود می‌شناسند، نگاه دیگری به آن‌ها دارد: آن‌ها برایش بخشی از

روز ابطال کند تا به این ترتیب هم فروش فیلم بالاتر رفته و هم اینکه اکران آن تا مدت بیشتری افزایش یابد. این مدیر سینمایی این کار را اقدامی معمول در مراودات اکران دانست که مدت‌هاست به این ترتیب انجام می‌شود و آن را نمی‌توان به نهادهای امنیتی ارجاع داد.

افخمی هم با تأیید صحبت‌های او این بدبستان‌ها را از پیش از انقلاب میان تهیه‌کنندگان و سینماداران رایج دانست که نمی‌توان درباره آن شفاف‌سازی کرد و اهالی سینما هم به خوبی از این مراودات خبر دارند. زندی با بیان اینکه باید در مدیریت فرهنگی مرز میان مخالف و معاند روشن باشد، گفت: «معاند را می‌توان کنار گذاشت اما مخالف باید مجال گفت‌وگو داشته باشد تا محل اختلاف روشن شود. نگاه اسلامی نیز بر همین مبناست: نگاهی شبیه خرقانی که می‌گفت: «هر کس در این سرا درآید، نان و آبش دهد، از ایمانش مهرسید». فرهنگ زمانی توسعه می‌یابد که مخالفان حذف نشوند بلکه شنیده شوند». این



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بهشت تکنولوژی‌های پرمصرف

چرا اجازه دادیم صنایع آلوده وارد کشور شوند؟

مهتا معرفت

تحلیلگر اقتصاد

تبدیل شدن ایران به بهشتی برای صنایع پرمصرف و آلوده‌کننده محیط‌زیست، نتیجه ترکیبی از عوامل متعدد است که ریشه در سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد، خلأهای قانونی و اولویت‌بندی‌های اقتصادی کوتاهمدت دارد. این وضعیت نه تنها منابع طبیعی کشور را به خطر انداخته بلکه تبعات بلندمدتی برای محیط‌زیست، اقتصاد و سلامت جامعه به همراه داشته است. در ادامه به بررسی عمیق‌تر این موضوع و دلایل آن پرداخته می‌شود، با تمرکز بر چگونگی شکل‌گیری این وضعیت و پیامدهای آن. یکی از عوامل اصلی که ایران را به مقصدی جذاب برای صنایع پرمصرف و آلوده‌کننده تبدیل کرده، نبود سیاست‌گذاری‌های منسجم و استانداردهای سخت‌گیرانه زیست‌محیطی است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای کنترل آلودگی و مصرف منابع طبیعی وجود دارد. این کشورها با وضع استانداردهای بالا برای انتشار گازهای گلخانه‌ای، مدیریت پسماند و مصرف آب و انرژی، مانع از فعالیت صنایعی می‌شوند که به محیط‌زیست آسیب می‌رسانند یا منابع طبیعی را به‌صورت غیرپایدار مصرف می‌کنند. در مقابل، در ایران، فقدان قوانین جامع و اجرای ضعیف مقررات موجود، فضایی را ایجاد کرده که صنایع پرمصرف و آلوده‌کننده به‌راحتی بتوانند فعالیت کنند. برای مثال، صنایعی مانند سیمان و فولاد که به حجم بالایی از آب و انرژی نیاز دارند بدون نظارت کافی و بدون الزام به استفاده از فناوری‌های کم‌آلاینده در ایران گسترش یافته‌اند. این صنایع که در کشورهای پیشرفته به دلیل هزینه‌های بالای رعایت استانداردها و مالیات‌های زیست‌محیطی کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرند، در ایران به دلیل هزینه‌های پایین تولید و نبود نظارت، سودآوری بالایی دارند. عامل دیگر، یارانه‌های گسترده انرژی در ایران است. قیمت پایین برق، گاز و سایر حامل‌های انرژی، ایران را به مقصدی ایده‌آل برای فعالیت‌هایی تبدیل کرده که به مصرف بالای انرژی وابسته‌اند. نمونه بارز این موضوع، استخراج رمزارزهایی مانند بیت‌کوین است. استخراج بیت‌کوین به دلیل نیاز به تجهیزات پرمصرف و برق ارزان در کشورهایی با انرژی یارانه‌ای مانند ایران، جذابیت زیادی دارد. در سال‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از ایجاد مزارع استخراج رمزارز در ایران منتشر شده که از برق یارانه‌ای برای فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند. این موضوع نه تنها فشار مضاعفی بر شبکه برق کشور وارد کرده بلکه به دلیل وابستگی تولید برق ایران به سوخت‌های فسیلی منجر به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا شده است. این در حالی است که کشورهای پیشرفته با اعمال مالیات‌های کربنی و محدودیت‌های انرژی، چنین فعالیت‌هایی را تحت کنترل شدید قرار داده‌اند. علاوه بر این، خلأ سیاست‌گذاری و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه صنعتی پایدار، زمینه را برای ورود فناوری‌های قدیمی و غیربهرور فراهم کرده است. در بسیاری از موارد، ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های منسوخ که در کشورهای توسعه‌یافته کنار گذاشته شده‌اند به دلیل ارزان‌تر بودن، وارد ایران شده‌اند. این فناوری‌ها نه تنها بهرهوری پایینی دارند بلکه مصرف آب، انرژی و سایر منابع را به شدت افزایش می‌دهند و آلودگی‌های زیست‌محیطی قابل‌توجهی تولید می‌کنند. برای مثال، در صنعت فولاد، بسیاری از کارخانجات ایران از روش‌های قدیمی و پرمصرف استفاده می‌کنند که در مقایسه با فناوری‌های مدرن، اثرات زیست‌محیطی بسیار بیشتری دارند. این وضعیت نتیجه نبود نظارت کافی بر واردات فناوری و فقدان مشق‌هایی برای استفاده از تکنولوژی‌های سبز است. اولویت‌بندی رشد اقتصادی کوتاهمدت بر پایداری زیست‌محیطی نیز نقش مهمی در این روند داشته است. در سال‌های گذشته، سیاست‌گذاران ایرانی برای جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال، اغلب چشم خود را بر تبعات زیست‌محیطی فعالیت‌های صنعتی بسته‌اند. فرونشست زمین، کاهش منابع آب زیرزمینی و آلودگی هوا تنها بخشی از پیامدهای این وضعیت هستند. دشت‌های ایران که به دلیل برداشت بی‌رویه آب برای مصارف صنعتی و کشاورزی در معرض فرونشست قرار دارند، نمونه‌ای از تبعات بلندمدت این سیاست‌ها هستند. فرونشست نه تنها زیرساخت‌های صنعتی و شهری را تهدید می‌کند بلکه زمین‌های کشاورزی را غیرقابل کشت کرده و امنیت غذایی را به خطر می‌اندازد. علاوه بر این، آلودگی ناشی از صنایع پرمصرف مانند انتشار ذرات معلق از کارخانجات سیمان یا گازهای گلخانه‌ای از واحدهای پتروشیمی، سلامت عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این اثرات در شهرهای صنعتی مانند اصفهان، اهواز و اراک به وضوح قابل مشاهده است، جایی که کیفیت هوا به دلیل فعالیت‌های صنعتی به سطح بحرانی رسیده است.

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

کمبود آب در ایران به مرحله‌ای بحرانی رسیده است. کاهش بارندگی، بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب زیرزمینی و مدیریت ناکارآمد منابع آبی، کشور را با پدیده‌هایی مانند فرونشست زمین، خشک شدن تالاب‌ها و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی مواجه کرده است. دشت‌های ایران که زمانی منابع غنی آب زیرزمینی داشتند اکنون به دلیل برداشت بی‌رویه در معرض فرونشست قرار دارند. این وضعیت نه تنها برای کشاورزی و محیط‌زیست بلکه برای صنایع که به آب به‌عنوان یکی از ورودی‌های اصلی تولید وابسته‌اند، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. دادن آب زیرزمینی به‌صورت رایگان یا با هزینه‌های ناچیز به صنایع، سیاستی است که در گذشته رواج داشته اما حالا به دلیل تبعات زیست‌محیطی و اقتصادی آن مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.

در کنار نگرانی‌هایی که مطرح شد، بی‌آبی یا کمبود منابع آبی یکی از چالش‌های اساسی پیش روی صنایع در بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه

ایران، است که با بحران آب مواجه است. این موضوع نه تنها تولید و بهرهوری صنایع را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه آنها را وادار به تغییرات ساختاری و پرهزینه‌ای می‌کند که می‌تواند، آینده فعالیت‌های صنعتی را به کلی دگرگون کند. سخنگوی صنعت آب در اظهاراتی به سه راهکار اصلی برای حل مشکلات صنایع مصرف‌کننده آب اشاره کرده است: انتقال تأسیسات به مناطق ساحلی برای استفاده از آب دریا، پرداخت هزینه واقعی آب با استفاده از منابع غیرمتعارف مانند پساب فاضلاب. این سه تغییر، هرچند ضروری اما چالش‌های متعددی را برای صنایع به همراه دارند که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شوند.

یکی از راهکارهای پیشنهادی، انتقال تأسیسات صنعتی به مناطق ساحلی است. این رویکرد به صنایع امکان می‌دهد از آب دریا به‌عنوان منبعی پایدار استفاده کنند. با این حال این راهکار هزینه‌های هنگفتی به همراه دارد. جابه‌جایی کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم در زیرساخت‌ها از جمله ساخت کارخانه‌های جدید، خطوط انتقال انرژی و سیستم‌های تصفیه آب دریاست. فناوری‌های نمک‌زدایی آب دریا مانند اسمز معکوس، گرچه پیشرفته‌اند اما هزینه‌های عملیاتی و انرژی بالایی دارند. علاوه بر این بسیاری

بازار سهام

جهش در جهش سهام چگونه از دلار سبقت گرفت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بُورس تهران اولین روز هفته را توفانی آغاز کرد و تا یک قدمی کانال ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار واحد پرواز کرد. دلار آزاد در جریان معاملات دیروز به سطح ۱۱۵ هزار تومان رسید. در هفته گذشته اسکناس آمریکایی تا کانال ۱۱۸ هزار تومان نیز افزایش قیمت را تجربه کرده بود. اما کاهش قیمت دلار در بازار آزاد در معاملات شنبه موجب شد تا طلای ۱۸ عیار نیز در روز جاری، گام نزولی بردارد و به سطح ۱۰ میلیون و ۹۸۰ هزار تومان عقب‌نشینی کند.

شاخص کل بورس در معاملات روز شنبه افزایش ۳۸/۲ درصد(معادل ۶۴ هزار واحد) را تجربه کرد و کار خود را در سطح ۲ میلیون و ۷۹۳ هزار واحد به پایان رساند. نماگر هموزن نیز همگام با شاخص کل افزایش یافت و در پایان

هشدار به صنایع

چرا بار خشکسالی روی دوش صنایع گذاشته شد؟

از صنایع در مناطق مرکزی ایران مستقر هستند و انتقال آنها به سواحل خلیج فارس یا دریای عمان مستلزم تغییرات لجستیکی و زیرساختی گسترده‌ای است که ممکن است سال‌ها طول بکشد. این موضوع برای صنایعی که به بازارهای داخلی وابسته‌اند یا زنجیره تأمین آنها در مناطق غیرساحلی قرار دارد، چالش‌های مضاعفی ایجاد می‌کند.

راهکار دوم، واقعی‌سازی قیمت آب است. در حال حاضر بسیاری از صنایع در ایران به آب با هزینه‌ای بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی آن دسترسی دارند. این امر نه تنها به مصرف بی‌رویه آب منجر شده بلکه انگیزه‌ای برای



سرمایه‌گذاری در فناوری‌های صرفه‌جویی در مصرف آب ایجاد نکرده است. تعیین قیمت واقعی آب، اگرچه از نظر زیست‌محیطی و اقتصادی ضروری است اما می‌تواند، فشار مالی قابل‌توجهی بر صنایع وارد کند. صنایعی که به آب ارزان عادت کرده‌اند ممکن است با افزایش ناگهانی هزینه‌ها دچار مشکلات مالی شوند به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور با تورم و تحریم‌های بین‌المللی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با این حال واقعی‌سازی قیمت آب می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای تشویق صنایع به بهینه‌سازی مصرف و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین عمل کند. سومین راهکار، استفاده از منابع آب غیرمتعارف، به‌ویژه پساب فاضلاب، است. این رویکرد از منظر پایداری زیست‌محیطی بسیار مورد توجه است زیرا نه تنها فشار بر منابع آب شیرین را کاهش می‌دهد بلکه به مدیریت بهتر پسماند‌های شهری و صنعتی کمک می‌کند. تصفیه و استفاده مجدد از پساب فاضلاب می‌تواند، منبعی پایدار برای صنایعی مانند فولاد، پتروشیمی و نساجی فراهم کند که به حجم بالایی از آب نیاز دارند. با این حال این روش نیز بدون چالش نیست. ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تصفیه و انتقال پساب نیازمند سرمایه‌گذاری کلان است. علاوه بر این کیفیت پساب تصفیه شده باید با

نیازهای خاص هر صنعت مطابقت داشته باشد که ممکن است به فرآیندهای پیچیده و پرهزینه تصفیه نیاز داشته باشد. همچنین برخی صنایع ممکن است به دلیل محدودیت‌های فنی یا عدم دسترسی به سیستم‌های فاضلاب شهری، نتوانند در کوتاهمدت از این منبع استفاده کنند.

برای صنایعی که در حال حاضر امکان انتقال به مناطق ساحلی یا استفاده از پساب را ندارند، استفاده موقت از منابع آب متعارف با پرداخت هزینه واقعی مجاز خواهد بود. این سیاست به‌عنوان یک راهکار موقتی مطرح شده است اما با توجه به ارزش‌گذاری واقعی آب، هزینه‌های تولید این صنایع به‌طور قابل‌توجهی افزایش خواهد یافت. این موضوع می‌تواند به افزایش قیمت محصولات نهایی و کاهش رقابت‌پذیری آنها در بازارهای داخلی و خارجی منجر شود.

از سوی دیگر، این تغییرات می‌توانند، فرصت‌هایی نیز ایجاد کنند. صنایعی که زودتر خود را با این شرایط تطبیق دهند ممکن است از مزایای رقابتی برخوردار شوند. برای مثال سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کم‌آب‌بر یا سیستم‌های بازچرخانی آب می‌تواند، هزینه‌های بلندمدت را کاهش دهد و به پایداری تولید کمک کند. همچنین توسعه فناوری‌های

تصفیه پساب و نمک‌زدایی آب دریا می‌تواند به ایجاد صنایع جدید و فرصت‌های شغلی منجر شود.

با این حال اجرای این سیاست‌ها، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و حمایت‌های دولتی است. دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات مالی، یارانه برای فناوری‌های سبز و ایجاد مشوق‌هایی برای انتقال به مناطق ساحلی، بار مالی این تغییرات را برای صنایع کاهش دهد. علاوه بر این، آموزش و افزایش آگاهی در میان مدیران صنایع درباره اهمیت مدیریت پایدار آب و روش‌های کاهش مصرف، نقش مهمی در موفقیت این سیاست‌ها خواهد داشت. بی‌آبی چالشی چندوجهی است که صنایع را وادار به بازنگری اساسی در مدل‌های کسب‌وکار خود می‌کند. انتقال به مناطق ساحلی، واقعی‌سازی قیمت آب و استفاده از پساب، هرچند پرهزینه و پیچیده‌اند اما راهکارهایی ضروری برای تضمین پایداری صنایع در مواجهه با بحران آب هستند. این تغییرات نه تنها به حفظ منابع آبی کشور کمک می‌کنند بلکه می‌توانند به‌عنوان محرکی برای نوآوری و توسعه فناوری‌های جدید در بخش صنعت عمل کنند. با این حال موفقیت این سیاست‌ها به هماهنگی میان دولت، صنایع و جامعه بستگی دارد تا از تبعات اقتصادی و اجتماعی منفی جلوگیری شود و آینده‌ای پایدار برای صنعت و محیط‌زیست رقم بخورد.

روز جاری معادل منفی ۱ هزار و ۹۴۰ میلیارد تومان بود. این آمار نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاران، منابع خود را از بازارهای کم‌ریسک خارج کرده و به سمت خرید سهام سوق داده‌اند. چنین روندی معمولاً در مقاطع صعودی بورس مشاهده می‌شود و می‌تواند، محرک مهمی برای تداوم رشد شاخص‌ها باشد. گروه فلزات اساسی در جریان معاملات دیروز با ورود پول ۱۷۱ میلیارد تومان از سوی حقیقی‌ها همراه شد و با این جذب پول در راس جدول تراز پول حقیقی روز شنبه ایستاد. در پایان معاملات، تعداد صف‌های خرید به ۵۲۸ نماد رسید، در حالی که تنها ۶۶ نماد در صف فروش قرار داشتند. این برتری محسوس در صف‌های خرید نسبت به فروش نشان‌دهنده، عطش سرمایه‌گذاران برای خرید سهام در شرایط فعلی است. چنین وضعیتی معمولاً نویدبخش تداوم روند صعودی بازار در روزهای آینده است.

عملکرد دیروز بورس تهران حاکی از یک صعود پرقدردت در نخستین روز هفته است. رشد بیش از ۶۴ هزار واحدی شاخص کل، افزایش ۱/۸ درصدی شاخص هم‌وزن، ورود بیش از ۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی حقیقی و خروج قابل توجه پول از صندوق‌های درآمد ثابت همگی بیانگر آن است که بازار در شرایطی مثبت و پرتقاضا قرار دارد. برتری صف‌های خرید نسبت به صف‌های فروش و نسبت بالای قدرت خرید حقیقی‌ها نسبت به فروشندگان نیز چشم‌انداز مثبتی را برای معاملات روزهای آینده ترسیم می‌کند.



سدسازی و انتقال آب تکیه دارد باید جای خود را به نگاه «مدیریت تقاضا» بدهد. حفظ تالاب‌ها یعنی حفظ امنیت زیستی، غذایی و حتی سیاسی کشور. در جهان امروز، تالاب‌ها بخشی از زیرساخت‌های طبیعی به شمار می‌روند و ارزش اقتصادی آنها به اندازه سدها و جاده‌هاست.

در کنار آن، مشارکت جوامع محلی کلید احیاست. تجربه احیای نسبی دریاچه ارومیه نشان داد که بدون حضور مردم و تغییر الگوی مصرف هیچ برنامه‌ای پایدار نمی‌ماند. در کرمانشاه نیز اگر قرار است سراب نیلوفر دوباره جان بگیرد باید کشاورزی منطقه با واقعیت منابع آبی سازگار شود و برداشت‌های غیرمجاز به‌طور واقعی متوقف شود.

خشک شدن سراب نیلوفر، هشدار دیگری است در مجموعه هشدارهایی که سال‌هاست، داده می‌شود. هشدارهایی که گویی گوش شنوایی برایشان نیست. شاید هنوز بتوان بخشی از تالاب‌های ایران را نجات داد اما این کار جز با اراده‌ای ملی، شفافیت مدیریتی و بازنگری در سیاست‌های آب و خاک ممکن نیست. ایران، کشوری خشک و کم‌باران است اما همیشه اینگونه بی‌رحم با خود نبوده است. هنوز در حافظه مردم کرمانشاه، تصویر گل‌های نیلوفر بر سطح آب زلال زنده است؛ تصویری که اگر همین امروز تصمیم نگیریم به زودی تنها در قاب عکس‌ها باقی خواهد ماند.

شهر

۳۰۰ سال تهران؛

۳۰ سانتی‌متر فرونشست

آیا جدایی پایتخت از تهران ممکن است؟

تهران، شهری که آقامحمدخان قاجار حدود سه قرن پیش به‌عنوان پایتخت ایران برگزید، امروز پس از ۳۰۰ سال بر بستری از فرونشست، کم‌آبی، زلزله و ازدحام ایستاده است. از شوش و هگمتانه تا اصفهان و قزوین، پایتخت‌های ایران همواره به دلایل سیاسی، امنیتی و جغرافیایی تغییر کرده‌اند. اما حالا پرسش اصلی این است: آیا تهران نیز باید به این فهرست بپیوندد؟ دکتر مهدی زارع، استاد زلزله‌شناسی، تهران را یکی از ۷ کلان‌شهر جهان با بیشترین خطر زلزله بی‌داند. این شهر بر پهنه‌ای از گسل‌های فعال گسترده شده و تراکم بالای جمعیت، ساخت‌وسازهای ناپایدار و بافت‌های فرسوده در صورت وقوع زلزله‌ای بزرگ می‌تواند، فاجعه‌ای انسانی و اقتصادی رقم بزند. اما زلزله تنها تهدید تهران نیست. تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های متوالی و برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، زمین پایتخت را سالانه تا ۳۰ سانتی‌متر فرومی‌برد. همزمان بحران آب چنان شدت یافته که ذخایر سدهای اطراف شهر به مرز هشدار رسیده‌اند. بخشی از این بحران به دلیل نشست گسترده در شبکه‌های فرسوده لوله‌کشی و شیوه‌های ناکارآمد مدیریت آب در کشاورزی و مصرف شهری است. در چنین شرایطی، ایده انتقال پایتخت- که بارها در دولت‌ها و مجالس مختلف مطرح شده- دیگر تنها بحثی تئوریک نیست. تمرکز بیش از حد جمعیت، منابع و تصمیم‌گیری در تهران، توسعه نامتوازن کشور را تشدید کرده و بار زیست‌محیطی و اقتصادی پایتخت را به مرز انفجار رسانده است. انتقال پایتخت می‌تواند، فرصتی برای بازتعریف توسعه ملی، توزیع عادلانه‌تر امکانات و کاهش ریسک‌های محیطی باشد. با این حال تجربه کشورهایی مانند ترکیه (انتقال از استانبول به آنکارا) یا قزاقستان (از آلماتی به آستانه) نشان می‌دهد که جابه‌جایی پایتخت تنها با ساخت شهری تازه حل نمی‌شود؛ بلکه به برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری سنگین و اراده‌ای سیاسی نیاز دارد. تهران امروز نمادی از همه چالش‌های ایران معاصر است: تمرکز، ناپایداری و نادیده گرفتن ظرفیت‌های منطقه‌ای. شاید زمان آن رسیده باشد که به جای ترمیم پی‌درپی زخم‌های این کلان‌شهر فرسوده، آینده‌ای تازه برای پایتختی نو طراحی کنیم؛ پایتختی که نه بر گسل و فرونشست که بر برنامه و تعادل استوار باشد.

هم‌زمان با نابودی تالاب‌ها، معیشت هزاران خانوار در حاشیه آنها نیز در خطر است. صیادان، دامداران و کارگران گردشگری نخستین قربانیان‌اند. در کنار آن، افزایش گردوغبار در مناطق غربی و جنوبی کشور، به‌ویژه در استان‌های خوزستان، ایلام و کرمانشاه، مستقیماً با مرگ تالاب‌ها مرتبط است. این یعنی تالاب‌ها تنها زیبایی طبیعی نیستند؛ بلکه سد طبیعی در برابر توفان خاک‌اند.

خشک شدن پی‌درپی تالاب‌ها، نماد بی‌اعتمادی فزاینده مردم به سیاست‌های زیست‌محیطی است. هر بار وعده‌ای داده می‌شود: احیا، لایروبی، مدیریت یکپارچه، مشارکت مردمی. اما در عمل یا بودجه‌ها تخصیص نمی‌یابد یا پروژه‌ها نیمه‌کاره رها می‌شوند. مردم مناطق محلی می‌بینند که حتی صدای کارشناسان محیط زیست شنیده نمی‌شود و تصمیم‌گیری‌ها در پشت درهای بسته اقتصادی صورت می‌گیرد.

مسئولان محیط زیست بارها گفته‌اند که بدون همکاری وزارت نیرو، جهاد کشاورزی و شهرداری‌ها هیچ تالابی نجات نمی‌یابد. اما همین هماهنگی میان دستگاهی، حلقه مفقوده مدیریت محیط زیست در ایران است. بحران تالاب‌ها دقیقاً در همان نقطه‌ای آغاز می‌شود که محیط زیست به حاشیه تصمیم‌سازی رانده می‌شود. کارشناسان مستقل تأکید می‌کنند که ایران نیازمند تغییر بنیادین در سیاست آبی خود است، نگاه «توسعه‌محور سازه‌ای» که بر

چاره‌ای جز تغییر سبک زندگی نیست

یکی از عوامل کلیدی در کنترل سرطان سینه، آگاهی عمومی است. تحقیقات نشان داده‌اند، زنانی که مهارت «خودآزمایی سینه» را می‌آموزند ۲ تا ۳ برابر زودتر به پزشک مراجعه می‌کنند. در سال‌های اخیر کمپین‌هایی مانند «همه با هم علیه سرطان» و «ماه آگاهی از سرطان سینه» در مهرماه در این زمینه نقش موثری داشته‌اند؛ با این حال پوشش رسانه‌ای و استمرار آن کافی نیست. از سوی دیگر افزایش چاقی، کم‌تحركی و استرس مزمن در زنان شهری ایران، ریسک ابتلا را به شدت بالا برده است. تغذیه ناسالم، خواب ناکافی و مصرف مواد قندی و چربی بالا در کنار مصرف دخانیات از عوامل مؤثر شناخته شده، هستند. سیاست‌گذاری سلامت باید از سطح درمان فراتر رود و به پیشگیری و تغییر رفتار عمومی بپردازد.

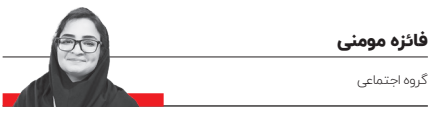
تجربه کشورها؛ الگوی ترکیه و آلمان

کشور ترکیه در دهه اخیر با راه‌اندازی بیش از ۱۵۰ مرکز غربالگری رایگان در سراسر کشور توانسته است، میزان مرگ‌ومیر ناشی از سرطان سینه را حدود ۳۰ درصد کاهش دهد. در آلمان نیز اجرای برنامه‌های آموزش همگانی از دبیرستان‌ها آغاز می‌شود و زنان بالای ۴۰ سال موظف به انجام ماموگرافی دوساله هستند. در نتیجه بیش از ۸۰ درصد موارد در مراحل اولیه شناسایی و درمان می‌شوند. در ایران، اجرای چنین برنامه‌ای نیازمند هماهنگی میان وزارت بهداشت، بیمه‌ها، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد است. کارشناسان می‌گویند اگر طرح ملی غربالگری آغاز شود، می‌توان سالانه جان هزاران زن را نجات داد و بار مالی سرطان سینه را به میزان قابل توجهی کاهش داد. سرطان سینه، برخلاف بسیاری از سرطان‌ها، در صورت تشخیص زودهنگام تا ۹۰ درصد قابل درمان است. اما در ایران هنوز فرهنگ مراجعه دوره‌ای و خودآزمایی جان‌نفته‌ده است. آموزش دختران جوان در مدارس، ارائه خدمات ماموگرافی ارزان در شبکه بهداشت شهری و حمایت مالی از بیماران، سه ضلع اصلی هر برنامه موفق در این زمینه است.

بی‌حاصل‌تری دارند، گردشگری نابود می‌شود و در نهایت، خاک بدون رطوبت به منبع گردوغبار بدل می‌گردد. در دو دهه اخیر، ایران حدود ۷۰ درصد از مساحت تالاب‌هایش را از دست داده است. خشک شدن دریاچه ارومیه، که زمانی هفتمین دریاچه بزرگ آب شور دنیا بود، نماد این بحران است. اما آنچه کمتر دیده می‌شود، ده‌ها تالاب کوچک و متوسطی است که بی‌سر و صدا می‌میرند و هیچ تیتیر خبری برایشان نوشته نمی‌شود. به گفته کارشناسان سازمان محیط زیست، تغییر اقلیم و افزایش دمای میانگین سالانه تنها بخشی از ماجراست. سهم اصلی از این فاجعه به مدیریت انسانی بازمی‌گردد: سدسازی‌های بی‌رویه، انتقال آب بین‌حوضه‌ای، مصرف نادرست در کشاورزی و غفلت از ارزش اقتصادی و زیستی تالاب‌ها. در واقع، خشک شدن تالاب‌ها نه صرفاً «پدیده‌ای طبیعی» بلکه «نتیجه سیاست‌های غلط» است. در مورد کرمانشاه، کارشناسان محلی می‌گویند که کاهش بارش در سال‌های اخیر توجیه‌پذیر است اما این کاهش نمی‌تواند به تنهایی منجر به خشک شدن کامل سراب نیلوفر شود. آنان هشدار می‌دهند که برداشت بیش از حد از سفره‌های زیرزمینی و حفر چاه در اطراف تالاب، عامل اصلی افت سطح آب بوده است. خشک شدن تالاب‌ها تنها موضوعی زیست‌محیطی نیست؛ ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی دارد. برای مردم کرمانشاه، سراب نیلوفر بخشی از خاطره جمعی شهر بود. مکانی که خاطره کودکی، تفریح خانوادگی، جشن‌های محلی و گردشگری شهری را در خود جای می‌داد. اکنون در محل آن چیزی جز زمینی ترک خورده و بوی خاک خشک باقی نمانده است.

سونامی سرطان سینه

هر ۴۰ دقیقه یک زن ایرانی مبتلا به سرطان سینه می‌شود



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

دیروز رئیس انجمن بیماری‌های سینه ایران اعلام کرد: «هر ۴۰ دقیقه یک زن در ایران به سرطان سینه مبتلا می‌شود». این جمله فراتر از یک آمار پزشکی، زنگ خطری برای سلامت عمومی زنان کشور است. بر اساس داده‌های وزارت بهداشت و آژانس بین‌المللی تحقیقات سرطان (IARC) سرطان سینه همچنان شایع‌ترین نوع سرطان در میان زنان ایرانی است و سالانه بیش از ۱۸ هزار زن در کشور به آن مبتلا می‌شوند.

واقعیتی تلخ در حال رشد

تا دو دهه پیش میانگین سنی ابتلا به سرطان سینه در ایران حدود ۵۵ سال بود اما امروز این عدد به ۴۵ سال کاهش یافته است. به‌عبارت دیگر، زنان ایرانی دست‌کم ۱۰ سال زودتر از میانگین جهانی در معرض این بیماری قرار می‌گیرند. متخصصان این تغییر را حاصل ترکیبی از عوامل ژنتیکی، تغییر سبک زندگی، چاقی، کم‌تحركی، مصرف بالای چربی‌های اشباع و نیز تأخیر در ازدواج و زایمان می‌دانند.

در حال حاضر، برآورد می‌شود بیش از ۸۰ هزار زن در کشور با سرطان سینه زندگی می‌کنند و هر سال حدود ۴ تا ۵ هزار نفر جان خود را بر اثر این بیماری از دست می‌دهند. نکته نگران‌کننده آن است که حدود ۷۰ درصد موارد، در مراحل پیشرفته تشخیص داده می‌شوند؛ زمانی که درمان پرهزینه‌تر و احتمال نجات کمتر است.

ایران در مقایسه با جهان

نرخ بروز سرطان سینه در ایران در حال حاضر حدود ۴۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار زن است. این رقم کمتر از میانگین جهانی (۶۵ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر) و پایین‌تر از کشورهای غربی مانند آمریکا (۱۲۵ مورد) یا آلمان (۱۱۰ مورد) است. اما تفاوت مهم در روند رشد سریع‌تر در ایران است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، میزان بروز بیماری طی دو دهه گذشته

سلامت

